



## درس نهج البلاغه شناسی استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۰/ اردیبهشت/ ۱۳۹۹

موضوع کلی: نهج البلاغه شناسی

موضوع جزئی: اعتبار نهج البلاغه - راه حل طبق موازین علم رجال و غیر موازین علم رجال مصادف با: ۵ رمضان ۱۴۴۱

- راه حل تشابه برای الحاق روایات مجهول

جلسه: ۲۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### ۱. راه حل طبق موازین علم رجال

در جلسه گذشته بحث به این جا منتهی شد که ما با اشکال ارسال روایات نهج البلاغه مواجهیم. اگر بخواهیم از راه موازین علم رجال پیش برویم طبیعتاً این مانع وجود دارد؛ هر چند طبق آن موازین ممکن است مشکل ارسال را بتوان حل کرد یعنی روایات مسند شوند، اما کار با مسند شدن این روایات تمام نمی‌شود زیرا آن وقت باید بررسی کنیم این اسناد صحیح هستند یا خیر؟ یعنی این‌ها همه مقتضای قواعد علم رجال می‌باشد. همانطور که گفته شد ارسال را چه بسا با توجه به شواهدی که در رد منکرین انتساب حضرت علی (علیه السلام) به نهج البلاغه ذکر شد بتوان حل کرد، یعنی آن شواهدی که در مقام رد منکرین انتساب نهج البلاغه به حضرت علی (علیه السلام) ذکر شد اینجا نیز می‌تواند به کمک ما بیاید و مشکل ارسال را حل کند، البته فی الجمله نه دقیقاً، زیرا هر یک از مطالب مشخصاً از ناحیه سید رضی معلوم نشده که چه کسانی نقل می‌کند. این نحو اجمالی می‌تواند این اطمینان را برای ما ایجاد کند که این روایات مسند می‌باشد یعنی این روایات فی الجمله از حضرت علی (علیه السلام) است این شواهد عبارتند از:

#### اول

اینکه مصادر و مدارکی که روایات حضرت علی (علیه السلام) را نقل کردند زیاد هستند. یک یا دو کتاب نیست، قبلاً گفتیم که از زمان خود حضرت علی (علیه السلام) تا آغاز غیبت کبری یعنی چیزی حدود مثلاً سال ۳۲۹ هجری قمری مورخین بخش‌هایی از نهج البلاغه را نقل کردند که در قالب هشتاد و پنج کتاب نقل شده است. این خیلی مهم است هشتاد و پنج کتاب در آن فاصله زمانی بخشی از این خطبه‌ها و نامه‌ها را نقل کردند. بعضی از این نقل‌ها در تمام این کتاب‌ها ذکر شده است. پس خود این یک مسئله است که کتاب‌های زیادی در آن دوران نوشته شده است.

#### دوم

از میان اصحاب حضرت علی (علیه السلام) به طور خاص حداقل چند تن از صحابه یا خطبه‌های حضرت علی (علیه السلام) را در همان زمان حضرت تدوین کردند یا نوشتند یا به نوعی حفظ کرده بودند و در محافل و مجالس مختلف آن‌ها را می‌خواندند. مثلاً زید بن وهب خطبه‌های حضرت علی (علیه السلام) را در زمان خود آن حضرت به صورت یک کتاب تدوین کرده بوده. حارث اعور کسی بود که بسیاری از سخنان حضرت علی (علیه السلام) را در همان هنگامی که حضرت سخنرانی می‌کرد می‌نوشت. اصبع بن نباته از اصحاب خاص حضرت علی (علیه السلام) است که اتفاقاً عهدنامه مالک اشتر و وصیت نامه امام علی (علیه السلام) به محمد

بن حنفیه مستند به اوست یا کمیل بن زیاد و ضرار بن زمره که بسیاری از سخنان و خطبه‌های حضرت علی (علیه السلام) را حفظ کرده بودند. از زمان حضرت علی (علیه السلام) تا زمان غیبت هشتاد و پنج کتاب خطبه‌ها و سخنان حضرت را ضبط کرده‌اند، پس در زمان خود حضرت علی (علیه السلام) برخی اصحاب این سخنان را یا نوشته یا حفظ و بیان کردند و مهمتر از همه این‌ها خود ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند که بسیاری از سخنان و کلمات حضرت علی (علیه السلام) را نقل کرده‌اند.

اینها همه نشان می‌دهد که روایات نهج البلاغه فی الجمله این قابلیت را دارد که از ارسال خارج شود که در خیلی از موارد هم شده است. اگر این مطلب را هم ضمیمه کنیم که حتی بعد از غیبت کبری نیز بسیاری از آن مطالب تا زمان تالیف نهج البلاغه در کتاب‌های مختلف ذکر شده است، این مطلب تقویت می‌شود. این‌ها شواهدی است که بر اساس آن اجمالا می‌توانیم بگوییم از مانع ارسال‌های پیدایم، و می‌توانیم اجمالا منابع سید رضی را به دست بیاوریم.

### سوم

در کنار این مسائل باید توجه داشت که خود سید رضی اهل حدیث و روایت بوده گرچه به این نام شهرت پیدا نکرده است، او نزدیک به عصر معصومین بوده و فی الجمله منابعی در اختیارش بوده که این منابع به مرور در طول تاریخ از بین رفته است، خیلی از آن منابع به دست ما نرسیده، برخی از محققین آمار کتاب‌های موجود در کتابخانه‌هایی که سید رضی از آن استفاده می‌کرده تا چهارصد هزار نسخه نقل کردند. آن موقع بغداد مرکز علمی و دینی بود و کتابخانه‌های مهمی در آن وجود داشت که بعداً خیلی از آن‌ها از بین رفت. به هر حال منابع در اختیار او بود و شاید تصور این را نمی‌کرد که روزی پیش بیاید که این منابع در اختیار و دسترس نباشند یا مثلاً مطالبه چنین مدارکی شود یا شبهاتی به این کتاب شود. لذا بیشتر اهتمام او به جمع‌آوری سخنان بود. به هر حال اگر ما بگوییم این ارسال وجود دارد بیراه نیست، چون درست است که مدارک و مستندات آن‌ها برای ما فراهم شده و معلوم گردیده که حضرت علی (علیه السلام) این مطالب را فرموده اما در عین حال اگر بخواهیم این روایات را به حضرت علی (علیه السلام) منتسب کنیم طبق موازین علم رجال نمی‌شود.

ممکن است کسی بگوید درست است که این سخنان مرسله است اما مراسلات جزمی سید رضی مورد قبول است و آنچه که سید رضی در این کتاب نقل کرده همه مراسلات جزمی است، چون می‌گوید: و من کتاب له و من خطبة له، یا قال (علیه السلام) این‌ها را همه را به صورت جزمی به حضرت علی (علیه السلام) نسبت می‌دهد.

لذا تقریباً اکثریت قریب به اتفاق نهج البلاغه مراسلات جزمی سید رضی است. حال اگر کسی مراسلات جزمی سید رضی را معتبر دانست به همین قرائنی که گفتیم، و با مرسل جزمی او معامله مسند شد دیگر مشکلی وجود ندارد، چه اینکه برخی این عقیده را دارند، از محقق خوبی هم نقل کردیم که می‌گوید مرسل سید رضی همانند مسند او است، البته ممکن است کسی بگوید مسند سید رضی بر دو قسم است برخی مسندانش معتبر است و برخی معتبر نیستند، لذا اینطور نیست که بین ارسال جزمی و اعتبار ملازمه باشد.

سوال

استاد: نه، یک وقت می‌گوید: این مرسل است و هیچ اعتباری ندارد و می‌گذارد کنار و یک وقت می‌گوید: این مرسل جزمی است ولی مرسلات جزمی را معتبر نمی‌داند. مثلا در مورد شیخ صدوق نیز همینطور است برخی مرسلات جزمی شیخ صدوق را معتبر نمی‌دانند.

پس اگر کسی گفت مرسل جزمی سید رضی (نهج البلاغه هم همینطور است) معتبر، مقبول و حجت است طبق موازین علم رجال می‌توانیم بگوییم روایات نهج البلاغه اعتبار دارد و قابل استناد است، این در چارچوب موازین علم رجال است.

## ۲. راه حل بر اساس غیر موازین علم رجال

اما اگر از این موازین دستمان کوتاه باشد، باید با کتاب نهج البلاغه چه کنیم؟ اینجا اگر کسی در مسئله حجیت خبر، معتقد به حجیت خبر ثقه باشد مشکل خواهد داشت اما اگر قائل به حجیت خبر موثق الصدور باشیم ولو اینکه غیر ثقه آن را نقل کرده باشد آن وقت راه‌هایی داریم برای تثبیت اعتبار نهج البلاغه. بر اساس این مبنا طبیعتا اگر خبری، قرائن صدور در آن باشد یعنی انسان به واسطه قرائنی یقین پیدا کند یا ظن معتبر پیدا کند به اینکه این خبر از معصوم صادر شده است این خبر حجت می‌شود و دیگر لازم نیست تمام راویان و ناقلان خبر ثقه باشند. طبق مبنای اول باید همه ثقه باشند اما طبق این مبنا لازم نیست. آن امور و قرائنی که می‌تواند اطمینان به صدور این روایات را از امیرالمومنین (علیه السلام) برای ما ایجاد کند عبارتند از:

### ۱. تعدد روایات و کثرت آن

اینکه این روایات از ناحیه افراد مختلف نقل شود ولو به حد تواتر نرسد افراد متعدد و کثیر نهج البلاغه را نقل کرده‌اند. وقتی انسان می‌بیند افراد متعددی یک مطلب را نقل کردند برای انسان اطمینان به صدور ایجاد می‌کند، در نهج البلاغه این نکته وجود دارد یعنی واقعا بسیاری از روایات نهج البلاغه را افراد و راویان متعددی نقل کردند.

### ۲. شهرت

شهرت تقریبا برای انسان یک اطمینان و اعتمادی نسبت به صدور روایات فراهم می‌کند البته طبیعتا بین شهرت قدمایی و شهرت متاخرین باید فرق گذاشت. آن شهرتی که موجب اطمینان به صدور روایت است شهرت قدمایی است، شهرت متاخرین که الان هم وجود دارد و واقعا نهج البلاغه به عنوان حضرت علی (علیه السلام) شهرت پیدا کرده است، شهرت قدمایی نیز وجود دارد، شما نگاه کنید در بسیاری از کتاب‌های شیعه و سنی کثیری از این فرازاها و نامه‌ها و خطبه‌های حضرت علی (علیه السلام) را نقل کردند هم کتاب‌های حدیثی و هم کتاب‌های تاریخی. به غیر از شیوع و شهرتی که در آن زمان بین مردم بوده جمع زیادی حافظ نهج البلاغه بودند، این جمله از مسعودی در مروج الذهب است که مردم حدود چهارصد و هشتاد و اندی خطبه از حضرت علی (علیه السلام) حفظ کرده و در مجالس مطرح می‌کنند این عدد را خیلی‌های دیگر نیز نقل کردند آنچه که در نهج البلاغه موجود است تقریبا دویست و چهل و پنج یا شش خطبه است ولی به هر حال اگر چهارصد و خورده‌ای بوده و خود سید رضی جایی می‌گوید چه بسا آنچه که من نیاوردم بیش از آنچه که من آوردم باشد، اینها دیگر حتما جزء آن‌ها است، احتمال اینکه خطبه‌های موجود غیر از آن چهارصد خطبه معروف و مشهور بین مردم و حفاظ باشد هم بعید است، زیرا بسیاری از همین‌ها خیلی هم از همین طرق نقل شده است، این را ابن جوزی در تذکره الخواص هم گفته است<sup>۱</sup> که چهارصد خطبه از خطبه‌های علی (علیه السلام) به دست من رسیده

<sup>۱</sup> مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۱۹.

<sup>۲</sup> تذکره الخواص، ص ۱۲۸.

است، عسقلانی در الاصابه نظیر همین مطلب را ادعا کرده<sup>۱</sup> بنابراین شهرت به این معنا که هم در کتابها شهرت داشته و هم در بین مردم و هم در بین اصحاب علم و دانشمندان مشهور بوده این خودش یک اعتمادی نسبت به صدور این روایت ایجاد می‌کند.

### ۳. علو مضمون

علو مضمون نیز از مطالبی است که می‌تواند موجب اطمینان شود. ما نمونه زیاد داریم که فقها و بزرگان ما به استناد علو مضمون روایتی را بی‌نیاز از بررسی سندی دانستند، مثلا شیخ انصاری در کتاب رسائل روایتی را از امام عسکری (علیه السلام) نقل می‌کند. (در بحث حجیت خبر واحد) و به مناسبتی می‌گوید درست است که این حدیث یک حدیث مرسل است ولی آثار صدق از آن ظاهر است و لذا احتیاج به بررسی سندی ندارد، یعنی بعضی از روایات به نوعی مضمونشان گویا نشانه صدق آن روایات است، در کتاب‌های فقهی بعضا از فقهای ما این مطلب را از مضمون نتیجه می‌گیرند و اظهار می‌کنند. در مورد صحیفه سجاده نیز این مطلب شهرت دارد که این دعا اگر چه ممکن است که سند هم نداشته باشد اما مضمون آن مضمونی است که در یک جایگاه بلند و مرتبه عالی قرار دارد و اساسا نمی‌تواند از غیر معصوم صادر شده باشد.

پس این امور یعنی مسئله کثرت روایت، شهرت علو مضمون اینها همه اطمینان به صدور روایات برای انسان ایجاد می‌کند.

### ۳. تطابق با روایات معتبر

پس تطابق مضمونی بسیاری از این روایات با روایات و احادیث قطعی الصدور از ائمه علیهم السلام شاهد دیگری بر اطمینان به صدور است اینکه مضامین نهج البلاغه (چه در اخلاقیات و چه در دایره احکام هر چند احکام در نهج البلاغه خیلی کمتر است) مضمونش با بسیاری از روایات رسیده از ائمه معصومین تطابق دارد، پس خود این تطابق مضامین نهج البلاغه با روایات و البته با آیات می‌تواند مجموعا در کنار آن موارد یک قرینه‌ای بر اطمینان و وثوق به صدور این روایات باشد. پس اگر بخواهیم از غیر راه علم رجال و موازین علم رجال عمل کنیم چنانچه قائل به حجیت خبر موثق الصدور باشیم این ها قرائنی است که با آن می‌توان یک اطمینانی به صدور پیدا کرد.

### ۵. بلاغت

اینکه به هر حال این کلام به حدی از بلاغت است که دیگران را در طول تاریخ به اعجاب وادار کرده است و غیر از قرآن شاید متن دیگری را نتوان با آن مقایسه کرد. هر چند قرآن هم هم‌ه‌اش اینچنین نیست که تاکیدش روی فصاحت و بلاغت باشد، نهج البلاغه هم همینطور است، این هم یک قرینه دیگری است بر اینکه موجب اطمینان به صدور می‌شود.

اینها مجموعا قرائنی هستند که اعتماد به صدور این روایات از حضرت علی (علیه السلام) را ایجاد می‌کند.

### نتایج کلی بحث

نتایج تمام بحث های گذشته تا کنون این شد که

اولا معلوم شد که نهج البلاغه قطعاً متناسب به حضرت علی (علیه السلام) است. معلوم شد نهج البلاغه این ویژگی را دارد که منابع فراوانی آن را حکایت کرده‌اند، یعنی به نوعی می‌توان آن را از ارسال خارج کرد و اگر بخواهیم بر اساس موازین علم رجال پیش رویم بعید نیست بگوییم چون مرسل جزمی سید رضی است می‌توانیم قائل به اعتبار آن شویم .

<sup>۱</sup> الاصابه، ج ۳، ص ۱۱۱.

اگر هم این را نپذیریم آن شواهدی هم که ما ذکر کردیم اجمالا می‌تواند ارسال را برطرف کند اما تفصیلا نمی‌تواند معلوم کند که این روایت به خصوص از چه طریقی نقل شده است. یعنی طریق سید رضی کیست، معلوم نمی‌شود. بلکه کلیت آن معلوم است که اینها را چه کسانی نقل کردند و در منابعی که نقل شده موجود است ولی سلسله سند تا سید رضی معلوم نمی‌شود و این مانع کماکان وجود دارد.

اگر کسی گفت به هر حال این مرسله است و با موازین علم رجال نیز نمی‌توانیم اینها را تصحیح کنیم شواهدی وجود دارد که موجب اعتماد به صدور این روایات از حضرت علی (علیه السلام) می‌شود، یعنی اجمالا معلوم می‌شود روایاتی که در این کتاب آمده از حضرت علی (علیه السلام) است.

### راه حل تشابه برای الحاق روایات مجهول نهج البلاغه

اما در عین حال تعدادی از روایات باقی می‌ماند زیرا درصدی از نامه‌ها و حکمتهای حضرت علی (علیه السلام) مصدرش معلوم نشده است. یعنی خود کسانی که در جهت مصدربایی تلاش کردند اذعان داشتند که بخش کمی از این مصادر باقی مانده است که اینها را باید تکلیفش را روشن کنیم. آنها را چه کنیم؟ حالا بگوییم هشتاد یا نود درصد مصادر معلوم شده ولی بالاخره ده درصد منابع مجهول است، این را از راه تشابه متون و لسان این روایات با سایر بخش‌ها می‌توانیم ملحق به بقیه کنیم. مسئله تشابه متنی، تشابه محتوایی، تشابه لسانی عرفی است، یعنی یک متخصص وقتی نگاه کند، می‌تواند تشخیص دهد این سخن از فلان نویسنده است یا خیر، یعنی هرچه هم یک نویسنده تلاش کند که بخواهد شبیه کسی بنویسد، جاهایی تفاوت‌هایی وجود دارد. به اذعان اهل فن لسان و بیان تمام نهج البلاغه یکسان است. یعنی شکل و شمایل و محتوایش حکایت از این می‌کند اینها یک متکلم دارند، لذا آن مقدار مجهول و باقی مانده را اینطور می‌توانیم ملحق کنیم به سایر موارد.

یک داستانی را هم اینجا نقل کردند که طبق این داستان این مسئله تایید می‌شود. این را ابن ابی الحدید در شرح خطبه شقشقیه از یکی از مشایخ نقل کرده که وقتی آن سخن ابن عباس را بعد از پایان خطبه شنید (ابن عباس بعد از پایان خطبه این را گفته است من خیلی ناراحت شدم که یکی با دادن یک نامه‌ای کلام او را قطع کرد و نگذاشت به انتها برسد) ابن ابی الحدید می‌گوید استاد ما گفت اگر من بودم به ابن عباس می‌گفتم چرا متاسفی چون علی (علیه السلام) همه گفتنی‌ها را گفت و چیزی باقی نگذاشت، بعد می‌گوید وقتی از او سوال کردند آیا این معنایش این است که تو در خطبه شقشقیه تردید داری و آن را از سید رضی می‌دانی؟ او جواب داد که هرگز، چون سخنان سید رضی و سبک مطالب او کاملا شناخته شده است و هیچ شباهتی با کلمات حضرت علی (علیه السلام) ندارد. یعنی معلوم است که این از کلمات حضرت علی (علیه السلام) است. این نشان می‌دهد که این تشابه واقعا این اجازه را به ما می‌دهد که ما آن بخش‌هایی که مجهول است را ملحق کنیم به آن بخش‌هایی که مصادرش معلوم است.

پس مجموعا صدور روایات نهج البلاغه به این ترتیبی که عرض کردیم قابل اثبات است. با همین قرائنی هم که گفتیم انسان اطمینان پیدا می‌کند که این سخنان از حضرت علی (علیه السلام) صادر شده است ولی باز یک نکته باقی می‌ماند، این مطالبی را که گفتیم در واقع مقتضی را برای اعتبار نهج البلاغه فراهم می‌کند اما در عین حال موانعی وجود دارد.

در جلسه امروز تقریباً مقتضی برای اعتبار را تمام کردیم یعنی این‌ها واقعا مقتضی برای اعتبار نهج البلاغه را نزد ما فراهم می‌کنند اما دو سه تا مانع وجود دارد که این موانع را باید بررسی کنیم بعد ببینیم نتیجه و برآیند مقتضی و موانع چیست و بعد مقتضای تحقیق چیست؟

«والحمد لله رب العالمین»